

## تحلیل و بررسی برخی ترجمه‌های مصدر میمی

### سوره بقره

خدیدجه احمدی بیغش\*

#### چکیده

مصدر میمی از دیدگاه علما صرف، نحو و تفسیر، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی، همراه با قوه دلالت و تأکید بوده، و علاوه بر حدث، غالباً بر نهایت امری نیز دلالت دارد. بررسی تحلیلی-توصیفی ترجمه‌های معاصر قرآن کریم، از مصدرهای میمی سوره بقره، در سه شیوه تحت اللفظی از ابوالحسن شعرانی، تفضیلی از مهدی الهی قمشه‌ای، عبدالمحمد آیتی و محمدرضا صفوی، و وفادار از ناصر مکارم شیرازی، مهدی فولادوند، مصطفی خرم‌دل، ابوالفضل بهرام‌پور، نشان می‌دهد که در همه این ترجمه‌ها معنای اصلی مصدر میمی مغفول واقع شده، و ترجمه امین یا وفادار تا حدودی به معنای اصلی مصدر میمی، که همان نهایت و سرانجام امر است، اشاره دارد.

**کلید واژه‌ها:** تحلیل، ترجمه، مصدر میمی، سوره بقره

---

\* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی، مدرس حوزه و دانشگاه، (Kh.ahmadi3103@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۱۴

## ۱. مقدمه

ترجمه متون مذهبی از دیرباز رونق فراوان داشته است. در میان کتب آسمانی، قرآن کریم دارای آن‌چنان اعجاز معنوی و لفظی، بلاغت و شیوایی است که آن را از سایر کتب آسمانی متمایز می‌سازد. اما امروزه به جهت عوامل گوناگونی چون فاصله گرفتن از فضای نزول، گسترش اسلام به فراتر از جزیره العرب، و... معنای واژگان قرآن کریم در ترجمه به زبان‌های دیگر از جمله فارسی، آن‌گونه که مراد خداوند بوده معانی برخی از واژگان قرآن کریم انتقال پیدا نکرده است. از جمله این ترجمه‌ها، دقت در ترجمه مصدر میمی در قرآن کریم است. مصدر میمی در علم صرف و تفسیر، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی، همراه با قوه دلالت و تأکید است. علمای صرف و نحو همچون فاضل سامرای و راغب اصفهانی، در خصوص معنای مصدر میمی و کارکرد واقعی آن معتقدند، این مصدر علاوه بر حدث، غالباً بر انتهای و نهایت امری دلالت دارد (سامرای، ۱۴۲۸، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۶۹). مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو، آسیب‌شناسی ترجمه مصدر میمی سوره بقره در ترجمه‌های قرآن کریم به زبان فارسی است. در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد مروری-تحلیلی، مصدرهای میمی سوره بقره را بررسی و بازتاب معنایی آن در آیات منتخب، آسیب‌شناسی شده است. ترجمه‌هایی از صاحب نظران معاصر در امر ترجمه را در سه شیوه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی، ترجمه آزاد یا تفضیلی، و ترجمه امین یا وفادار، مورد بررسی قرار گرفت، و برای بیان کمیت و کیفیت ترجمه‌های مورد مدنظر، جهت ارائه کم‌ترین یا بیش‌ترین خطا در ترجمه مصدر میمی، نمودار آماری ارائه گردید، و در نهایت با بررسی آرای لغویون و مفسران، ترجمه پیشنهادی ارائه شده است. تلاش‌هایی که در این پژوهش انجام گرفته در جهت تبیین جایگاه و اهمیت ترجمه صحیح، جهت افاده معنا و مقصود کلام الهی است؛ که این مهم به‌کارگیری بهتر قواعد ادبیات عرب در ترجمه و فهم آیات قرآن کریم را می‌طلبد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

یکی از کارهای ضروری و اساسی در پژوهش علمی و تبادل اندیشه، توضیح واژگان و مفاهیم کلیدی به کار رفته در عنوان تحقیق است.

### ۲. پیشینه تحقیق

در کتب صرف و نحو، توضیح مصدر بیان شده، و یا درباره آسیب‌شناسی و بحث‌های مرتبط با ترجمه، مقالات و کتب گوناگونی تالیف شده است. از جمله آن‌ها:

- مقاله: آسیب‌شناسی ترجمه‌های قرآن رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ مجله پژوهش‌های قرآنی، زمستان ۱۳۸۱، شماره ۱۱.

- مقاله: آسیب‌شناسی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم و طبقه‌بندی نقدهای ارائه شده، دانیالی، امیر، مجله پژوهش و حوزه، بهار ۱۳۸۴، شماره ۹.

- مقاله: جایگاه ساختار نحوی-بلاغی مفعول به (در ترجمه قرآن کریم)، قلی زاده، حیدر، پژوهش‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، سال پانزدهم، شماره ۹۹ و ۶.

- مقاله: مرجع‌شناسی ترجمه و نقد ترجمه‌های فارسی، فرج‌الله، غلامی، بینات، بهار و تابستان ۱۳۸۹، شماره ۱۹ و ۹۶.

با توجه به آنچه بیان شد و تحقیقات انجام گرفته دیگر آشکار می‌گردد که در مورد آسیب‌شناسی ترجمه مصدر میمی، تاکنون نوشته‌ای یافت نشد؛ لذا توجه به آسیب‌شناسی این مهم، لازم و ضروری می‌نمایند.

### ۲-۱. تعریف مصدر میمی

در دانش صرف، اسم به اعتبارات مختلفی تقسیم می‌گردد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تقسیم اسم به مصدر و غیر مصدر است. مصدر خود به مصدر اصلی، میمی، صناعتی و هم‌چنین مرّه، هیئت، صریح، مؤول و اسم مصدر تقسیم می‌شود (شرتونی، ۱۴۲۷، ۳۰۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۲، ۱۲؛ عرب خراسانی، ۱۳۸۹، ۱۲۳؛ کشمیری، ۱۳۷۹، ۲۸۷). مصدر

میمی، اسمی است که معنی آن شبیه مصدر اصلی است همراه با قوه دلالت و تأکید که به خاطر میم زائده‌ای که بر سر آن آمده است به آن مصدر میمی گفته می‌شود. وزن مصدر میمی در ثلاثی مجرد و غیر ثلاثی مجرد قیاسی است. در ثلاثی مجرد بر وزن، مَفْعَل، مَفْعَل، مَفْعَل است. وزن «مَفْعَل» مشترک میان صیغه‌های اسم مکان، زمان و مصدر میمی دانست. در غیر ثلاثی مجرد بر وزن- ثلاثی مزید، رباعی مجرد، رباعی مزید- بر وزن مضارع مجهول است، که میم مضمومی را جایگزین حرف مضارعه می‌کنیم. (یعنی بر وزن اسم مفعول) (ابن منظور، ۱۳۶۳، ۵، ۳۲۶؛ حملای، بی‌تا، ۱۱۳؛ سامرائی، ۱۴۲۸، ۳۱؛ حسن، ۱۴۲۲، ۳۲۵؛ غلابینی، ۲۰۰۴، ۳۶۷؛ نیشابوری، ۱۴۲۸، ۴۳۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۵، ۲۳۷؛ بستانی، ۱۳۷۵، ۱۹۴).

## ۲-۲. کارکرد مصدر میمی

کارکرد واقعی مصدر میمی، به تفاوت‌های ظاهری، لفظی و معنوی مصدر میمی با مصدر اصلی، که در علم صرف و نحو به آن‌ها اشاره شده است، باز می‌گردد. تفاوت‌های لفظی آن‌ها عبارتند از:

الف. آن‌که مصدر میمی حال واقع نمی‌شود، ولی مصدر قیاسی و اصلی حال واقع می‌شود. یعنی عرب زبان توقع از مصدر میمی برای زمان حال ندارد. مثلاً می‌گوید: "جاء سعياً" نمی‌گوید "جاء مسعی". زیرا در استعمال بین آن دو تفاوت قائل است (سامرایی، ۱۴۲۸، ۳۳).

ب. عرب از مصدر میمی در مفعول له استفاده نمی‌کند، ولی در مصدر اصلی به عنوان مفعول له قرار می‌گیرد. مثلاً می‌گوید "قتلته خشیه الوشایه علیه" نمی‌گوید "مخشی الوشایه" (همان).

از لحاظ ظاهری نیز این مصدر اصلی با مصدر میمی تفاوت‌هایی دارند که عبارتند از:

ألف) تفاوت در اوزان مصدر اصلی و میمی چه در ثلاثی مجرد و چه در غیر ثلاثی مجرد.

ب) تفاوت در سماعی و قیاسی بودن أوزان مصدر اصلی و مصدر میمی در ثلاثی مجرد (سامرای، ۱۴۲۸، ۳۵).

در مورد تفاوت معنوی نیز نحوئیون معتقدند که معنای مصدر میمی شبیه مصدر اصلی است، با این تفاوت که معنای مصدر میمی - علاوه بر حدث - غالباً بر إنتهاء و نهایت کاری دلالت می‌کند. مانند: «عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ مَتَابِ» (رعد، ۳۰) که «متاب» به معنای توبه کامل یا نهایت توبه است به طوری که مصدر اصلی آن چنین معنایی را نمی‌رساند (استرآبادی، ۱۳۹۵، ۲۳۷). همچنین در مورد تفاوت معنایی آن‌ها آورده‌اند: این مصدر مطابق مصادر دیگر نیست و الا در صیغه‌اش اختلاف پیدا نمی‌کرد، به طور مثال "مصیر" با صيرورت مطابقت ندارد، و... مصدر میمی غالباً همراه خویش عنصر ذات را حمل می‌کند، برخلاف مصدر غیر میمی که فقط معنای مجرد حدث از هر چیزی را به دنبال دارد. قول خداوند که می‌فرماید: «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء، ۲۲۷) با معنای انقلاب مطابقت ندارد. انقلاب به معنای مجرد حدث است و منقلب معنای ذات را حمل می‌کند. مصدر اصلی به چیزی دیگری جز حدث متلبس نیست. اما مصدر میمی غالباً متلبس به ذات است. مثلاً در آیه «وَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» و آیه «فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ» (ابراهیم، ۳۰)، مصیر به معنای منتهای امر. یا مثلاً بین توبه و متاب فرق است. متاب یعنی توبه تامه و آن جمع بین ترک قبیح و تحری جمیل است. «علیه توکلت و الیه متاب» (رعد، ۳۰) (سامرای، ۱۴۲۸، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۶۹). گویی غایت در توبه یا منتهای توبه را اراده کرده است. تفاوت معنوی دیگر آن‌دو این‌که: مصدر میمی به خاطر میم زائده‌ای که بر سر آن آمده دلالت بر قوت و تأکید معنا می‌کند، در حالی که مصدر اصلی چنین معنایی را ندارد (حسن، ۱۴۲۲، ۳۲۵؛ غلابینی، ۲۰۰۴، ۳۶۷؛ نیشابوری، ۱۴۲۸، ۴۳۲؛ استرآبادی، ۱۳۹۵، ۲۳۷؛ بستانی، ۱۳۷۵، ۱۹۴؛ سامرای، ۱۴۲۸، ۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱، ۱۶۹).

### ۳. شیوه‌های ترجمه

هرچند در نام‌گذاری روش‌های ترجمه، اختلاف نظر وجود دارد، اما مهم‌ترین

این شیوه‌ها، بر اساس گونه‌های انتقال مطلب از زبان مبدأ به زبان مقصد عبارتند از:

### ۳-۱. شیوه کلمه به کلمه یا تحت الفظی

در این شیوه دغدغه اصلی مترجم حفظ امانت است؛ لذا به جای هر کلمه از زبان مبدأ، کلمه‌ای از زبان مقصد را جایگزین می‌کند و همه کلمات و حروف دقیقاً همان‌گونه که در زبان مبدأ است به زبان دوم برگردان می‌شود (محقق، ۱۳۴۴، ۳۰۱؛ قلی زاده، ۱۳۸۰، ۲۲)، اگرچه این روش دارای محاسنی چون: امانت در نقل مطالب، رعایت نظم و ترتیب و بیان مطالب بدون کم و زیاد، عدم دوری مخاطب و مترجم از نص کتاب، و...، اما اغلب به دلیل زیان‌هایی نظیر: گنگ و نارسا بودن نسبت به سایر انواع ترجمه، ارزش ارتباطی ناچیز، انتقال پیام دشوار، عدم انسجام و تعادل ترجمه به دلیل پای‌بندی بیش از حد به زبان مبدأ و الگوهای دستوری آن، عدم رعایت جایگاه هر واژه در ترجمه (وجوه و نظایر)، معادل نداشتن برخی از حروف تأکید، موصولات، نون تأکید و...، مغفول ماندن معانی واقعی اصطلاحات، تشبیهات و کنایات، و... موجب تغییر کلی معنا گشته و از مقبولیت کم‌تری برخوردار است (پاینده، ۱۳۳۷، ۷؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۱، ۲۳۹)؛ هم‌چنین بسیاری از معانی، که از معنای ثانوی کلمات استنباط می‌شود، در این ترجمه از دست رفته، هدایت مردم تحقق نمی‌یابد و اعجاز آن باز می‌ماند (سیدی، ۱۳۹۰، ۱۸۲؛ مجتبوی، ۱۳۷۲، ۳۶؛ فیاض بخش، ۱۳۸۹، ۱۰؛ معرفت، ۱۳۸۳، ۱، ۱۱۸). علت اصلی پرداختن مترجمان به این شیوه دو مطلب بود: نخست آن‌که ترس مترجمان مؤمن از این‌که با دور شدن از نص و الفاظ قرآن، از مراد خدا دور شوند؛ و دوم این‌که صناعت ترجمه و شناخت زبان در حد ابتدایی بوده است (رضایی اصفهانی، ۱۴۳۱، ۲۷۱). این نوع ترجمه را می‌توان به وفور در ترجمه‌های کهنی چون ترجمه تفسیر طبری و ترجمه‌های متأخری چون ترجمه معزی، شعرانی، یاسری، اشرفی تبریزی، مصباح زاده و... یافت.

## ۳-۲. شیوه آزاد یا تفضیلی

برخی مترجمان به ترجمه معنا و مفهوم قرآن پرداخته و با حفظ معنای اولیه، کلمات را به زبان دوم بازگو می کنند و خلاصه تفاسیر را لابه لای ترجمه می گنجانند. انتقال پیام "نه معانی عبارات و جملات متن" در قالب و ساختارهای زبان مقصد، تنها هدف مترجم از این روش است (قلی زاده، ۱۳۸۰، ۲۸). در این شیوه بسیاری از ریزه کاری ها و هنرهای ادبی و مزایای دیگر قرآن مورد غفلت قرار گرفته است (بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۶۳، ۲۶۱). پس بدیهی است که نمی توان نام ترجمه را بر آن نهاد (مکام شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۶). گاهی ترجمه آزاد، برابر با ترجمه معنایی، بیان می شود؛ یعنی مترجم سعی می کند معنایی را از قالبی به قالب دیگر ریخته، تا معنای مقصود کاملاً اداء، و بی کم و کاست مراد متکلم برگردانده شود، اما ممکن است یک یا چند کلمه بر عبارت بیفزاید، تا معنا به خوبی روشن گردد. زیرا بیشتر سعی بر انتقال کامل مفاهیم است نه تطابق لفظی (معرفت، ۱۳۸۳، ۱، ۱۱۴). این روش با وجود محسناتی چون انسجام کامل، استفاده از اضافات تفسیری برای روشن شدن معنای کلام، ترتیب عناصر دستوری، روان بودن متن ترجمه بیش از هر ترجمه دیگر؛ زیان هایی نظیر: عدم تعادل ترجمه به طور کامل، عدم تقیید مترجم به انتقال دقیق محتوای متن، مخلوط شدن ترجمه با توضیحات اضافی و تفسیری، ارائه فهم و معنای ترجیحی مترجم از مطالب، عدم وفاداری نسبت به متن مبدأ، وجود حذف و اضافه در لفظ و معنا، انتقال پیام نویسنده در قالب زبان مقصد و لو آن که در این انتقال، معادل های الفاظ متن کم، زیاد یا دگرگون شود و یا نقش نحوی آنها تغییر یابد، و... بر آن مترتب است (قلی زاده، ۱۳۸۰، ۲۲ و ۲۳؛ بی آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۱، ۲۶۵-۲۶۷). نمونه های از آن مانند: ترجمه فیض الاسلام، ترجمه یاسری، ترجمه الهی قمشهای، ترجمه قرآن مجد و معانی القرآن محمد باقر بهبودی.

## ۳-۳. شیوه امین یا وفادار

ترجمه وفادار یا امین، حد فاصل ترجمه تحت اللفظی و ترجمه تفضیلی است

بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۷، ۲۴۷). یک ترجمه وفادار می‌کوشد تا معنای دقیق متن اصلی را در محدوده ساختار دستوری زبان مقصد ایجاد نماید و به مقصود نویسنده متن زبان مبدأ، و تحقق متنی او وفادار باشد. این ترجمه شامل محسناتی چون: انتقال دقیق پیام و محتوای متن مبدأ، رعایت ساختارهای ادبی و بلاغی و ظرافت آن‌ها، نزدیک بودن به ساختارهای معیار زبان مقصد، انتقال دقیق پیام، تعادل ترجمه انسجام کامل ترجمه به دلیل وفاداری به زبان مقصد، حداقل بودن حذف و اضافه به دلیل وفاداری به ساختارهای هر دو متن (مبدأ و مقصد)، روانی و شیوایی ترجمه، و... می‌باشد (قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ۲۵ و ۳۲؛ خرم‌شاهی، ۱۳۷۷، ۵۰؛ قلی‌زاده، ۱۳۸۰، ۳۲). ترجمه‌های آقایان خرم‌شاهی، خرم‌دل، مکارم شیرازی، پاینده، خواجه‌جوی، فولادوند، جلال‌الدین فارسی، جلال‌الدین مجتبوی، مشکینی، از زمره این نوع ترجمه است

#### ۴. مصدر میمی در سوره بقره

به منظور بیان معنای دقیق مصدر میمی - قوت و تاکید بر انتهاء و نهایت کاری - و با توجه به سه شیوه اصلی ترجمه در ترجمه‌های معاصر از جمله: ترجمه کلمه به کلمه یا تحت‌اللفظی از ابوالحسن شعرانی، ترجمه آزاد یا تفضیلی از مهدی الهی قمشه‌ای، عبدالمحمد آیتی و محمدرضا صفوی، و ترجمه امین یا وفادار از ناصر مکارم شیرازی، مهدی فولادوند، مصطفی خرم‌دل، ابوالفضل بهرام‌پور، ترجمه مصدرهای میمی سوره بقره را بررسی کرده تا توجه یا آسیب‌های عدم توجه به ترجمه دقیق معنای مصدر میمی در این ترجمه‌ها آشکار گردد. مصدرهای میمی سوره بقره عبارتند از:

الف) وَ بَشِّرِ الْمَصِيرُ (بقره، ۱۲۶) وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ (بقره، ۲۸۵)

لغت و تفسیر: «الْمَصِيرُ» مصدر میمی برای فعل صار یصیر، به معنای رَجَعَ (صافی، ۱۴۰۶ ش، ۱؛ ۲۶۲؛ طوسی، ۱۳۸۸ ش، ۱؛ ۴۵۹)، ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به کسر العین الفعل، که اعلال صورت گرفته و حرکت الیاء منتقل شده به الصاد منتقل و ساکن شده است. به معنای بدترین بازگشت گاه، سرانجام و آخرین بازگشت، و بدترین حالتی که به سوی آن فراخوانده می‌شوند، و شدت وعید الهی را بیان می‌دارد (طوسی، ۱۳۸۸



۱، ۴۵۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۳۵۱). هم چنین جایز است معنای آن در تقدیر این گونه شود: و بُسِتَ الصَّيْرُورَةَ صَيْرُورَةً إِلَى الْعَذَابِ (آلوسی، ۱۴۰۵، ۱، ۳۸۱؛ اندلسی، ۱۴۲۵، ۱، ۶۱۸)؛ یعنی مومنان به رحمت و کافران به غضب او بازگشت می کنند و این نهایت مسیری است که خود انتخاب کرده اند. «وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» یعنی رجوع و برانگیختن به سوی جزاء، پاداش و حکم خدا، (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲، ۷۲۹) و «إِلَيْكَ الْمَصِيرُ» یعنی تذییل به سبب آن چه قبل از آن انجام داده، برای اقرار به حاجتش و طلب مغفرت (طوسی، ۱۳۸۸، ۲، ۳۸۴؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲، ۶۶؛ اندلسی، ۱۴۲۵، ۲، ۷۵۹). مجرور به جهت إفادۀ حصر مقدم شده، یعنی المصیرِ إلیک لا إلی غیرک: هیچ کس دیگری نیست و این قصر حقیقی است یعنی آن ها قصد داشتند این کار را انجام دهند (ابن عاشور، ۱۴۲۷، ۲، ۵۹۶). پس دلالت می کند بر این که شما از این عذاب راه گریزی ندارید، و خدا هم از آن صرف نظر نمی کند، و این خود تهدید در جمله قبل را تاکید می نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۳، ۱۵۱؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۸، ۱۹۴). ترجمه های موجود «المصیر» را این گونه ترجمه کرده اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و بد است آن جای بازگشت (بقره، ۱۲۶) - ما را به سوی توست مرجع (بقره، ۲۸۵) (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: که بد منزلگاهی است (بقره، ۱۲۶) - و بازگشت همه به سوی توست. (بقره، ۲۸۵) (الهی قمشه ای)؛ و آن بد بازگشت گاهی است. (بقره، ۱۲۶) - و بازگشت همگان به سوی توست. (بقره، ۲۸۵) (صفوی)؛ که بد سرانجامی است. (بقره، ۱۲۶) - سرانجام همه به سوی توست. (بقره، ۲۸۵) (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و چه بد سرانجامی دارند. (بقره، ۱۲۶) - و بازگشت ما به سوی توست. (بقره، ۲۸۵) (مکارم شیرازی)؛ و چه بد سرانجامی است. (بقره، ۱۲۶) - و فرجام به سوی تو است. (بقره، ۲۸۵) (فولادوند)؛ و چه بد سرنوشتی است. (بقره، ۱۲۶) - و بازگشت به سوی توست. (بقره، ۲۸۵) (بهرام پور).

ب) وَ الْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ (بقره، ۱۷۵) - وَ الْمَغْفِرَةَ بِإِذْنِهِ (بقره، ۲۲۱) - وَ مَغْفِرَةً خَيْرٌ (بقره، ۲۶۳)

لغت و تفسیر: «الْمَغْفِرَةَ» مصدر میمی از غَفَرَ يَغْفِرُ، ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به کسر العین الفعل (صافی، ۱۴۰۶، ۲، ۳۴۹)، به معنای قدرت و نهایت و آمرزش و بخشش. «وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ» جمله مستانفه برای بیان عظمت وعید و پاداش است که در پاسخ به سوال از سبب عظمت و پاداش بیان شده؛ یعنی پوشاندن آنچه برای شخص واقع شده و بر او سنگین گشته است. سعادت یا عذاب طولانی و ابدی که موجب ضلالت می‌گردد و در نتیجه عدم آگاهی آنان به حقیقت و نادیده گرفتن اهداف بلند است. پس خریدند عذاب را به مغفرت. یعنی آن‌ها پس از این که دانستند عاقبت معصیت عذاب، و نتیجه طاعت ثواب است، اما با این وصف، اصرار بر معصیت کردند. مثل این که اشتراء ضلالت مربوط به عدول آن‌ها از راه بهشت، به راه جهنم است (طوسی، ۱۳۸۸، ۲، ۳۳۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۵، ۲۰۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۲۶۴). «قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ» مغفره در اصل به معنای پوشاندن، و عفو و بخشش از ظلم و ستم است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۵۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ۳، ۱۴۳). با توجه به این توضیحات، ترجمه‌های موجود «الْمَغْفِرَةَ» را اینگونه ترجمه کرده‌اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: آن‌ها آنانند که خریدند عذاب را به آمرزش (بقره، ۱۷۵) - آمرزش به اذنش (بقره، ۲۲۱) - آمرزش بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (شعرانی).  
ترجمه آزاد یا تفضیلی: و آمرزش اختیار کردند. (بقره، ۱۷۵) - به مغفرت دعوت کند. (بقره، ۲۲۱) - طلب آمرزش بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (الهی قمشه‌ای)؛ و خداوند به اذن خود - بی آن که کسی یا چیزی او را ناچار کرده باشد - (بقره، ۱۷۵) به بهشت و آمرزش فرا می‌خواند (بقره، ۲۲۱) - سخنی نیکو گفتن بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (صفوی)؛ و عذاب را به جای آمرزش برگزیدند. (بقره، ۱۷۵) - و خدا دعوت می‌کنند به آمرزش (بقره، ۲۲۱) - بخشایش، بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و عذاب را با آمرزش، مبادله کرده‌اند. (بقره، ۱۷۵) - آمرزش به فرمان خدا (بقره، ۲۲۱) - بخششی که بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (مکارم شیرازی)؛ و عذاب را به ازای آمرزش خریدند. (بقره، ۱۷۵) - به سوی آمرزش می‌خواند. (بقره، ۲۲۱) - گذشت بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (فولادوند)؛ و عذاب را با آمرزش (مبادله و) خریداری

کرده‌اند. (بقره، ۱۷۵) - آمرزش به فرمان و توفیق خدا (بقره، ۲۲۱) - بخشایش، بهتر است. (بقره، ۲۶۳) (خرمدل)؛ و عذاب را در ازای آمرزش خریدند. (بقره، ۱۷۵) - و خدا به امر خود به بهشت و مغفرت می‌خواند. (بقره، ۲۲۱) - و سخن خوش بهتر است. (بقره ۲۶۳) (بهرام پور).

(ج) **يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ** (بقره، ۲۱۹)

لغت و تفسیر: «الْمَيْسِرِ» مصدر میمی مانند الموعد، که مشتق از الیسر به معنای گرفتن مال به آسانی، یا مشتق از الیسار که سبب می‌شود برای آسانی (صافی، ۲، ۱۴۰۶، ۴۵۵، طوسی، ۱۳۸۸، ۲، ۲۰۲). «الْمَيْسِرِ» مصدر میمی به معنای از دست رفتن مال در نهایت سهل و آسانی؛ گویا در قمار، طرفین می‌خواهند مال یکدیگر را به آسانی برابند ( طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ۲، ۲۹۹). هم‌چنین به معنای پول بیهوده و گمراه کننده خوردن، آسیب رساندن به خود و دیگران، انجام کارهای زشت و ناخوشایند، دشمنی ذاتی و آشکار، و آنچه برای مردم خطرناک است و موجب انحراف مردم می‌شود، آمده است (ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۵، ۲، ۴۰۲ و ۴۰۳). ابن عباس، و عبد الله بن مسعود، و الحسن، و مجاهد، و قتاده، و ابن سیرین، می‌گویند: از ظاهر روایات ما به دست می‌آید که المیسر یعنی قمار (اندلسی، ۲، ۱۴۲۵، ۴۰۲؛ طوسی، ۱۳۸۸، ۲، ۲۱۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۱، ۳۲۹). «مَنَافِعُ» جمع منفعه مصدر میمی بر وزن مَفْعَلَةٌ بفتح المیم و العین، و التاء آخر آن برای مبالغه و بر وزن منافع مفاعل شده است. و پیش‌گیری از شر بر مبنای آوردن منافع را بیان می‌کند (آلوسی، ۱، ۱۴۰۵، ۵۰۶؛ صافی، ۲، ۱۴۰۶، ۴۵۵؛ اندلسی، ۲، ۱۴۲۵، ۴۰۲). «نَافِعٌ» مصدر میمی به معنای منبع سود و منافع، (ابن عاشور، ۱۴۲۷، ۲، ۳۲۶ و ۳۲۸) و به نهایت قیل و ناچیز بودن منافع و سود کار حرام برای مردم، اطلاق می‌شود. اعراب این نام را بر وزن منبع غیرطبیعی قرار می‌دهند تا بدانند که اکنون نفع ندارد (مغنیه، ۱۴۲۴، ۱، ۳۲۹). «وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» و منافی برای مردم است. مثلاً منفعت شراب به این است که به واسطه خرید و فروش آن مالی به دست می‌آورند و با آشامیدن آن، لذت و طرب و نیرویی کسب می‌نمایند؛ و نفع قمار این است که ممکن است شخصی بدون کار و زحمت، پول رفیق خود را تصاحب کند

و حتی گاهی به فقیران کمک نماید ( فخررازی، ۱۴۲۰، ۶، ۳۹۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۲۶۰). با توجه به این معانی بیان شده از «المیسر» و «منافع»، ترجمه‌های موجود، این کلمات را این‌گونه ترجمه کرده‌اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: می‌پرسند تو را از شراب و قمار بگو در آن دو تا گناهی بزرگ است و سودها از برای مردمان (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو کار، گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم. (الهی قمشه‌ای)؛ از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و برای مردمان سودهایی است. (صفوی)؛ بگو: تو را از شراب و قمار می‌پرسند. بگو: در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی است برای مردم (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد. (مکارم شیرازی)؛ درباره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو: در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است. (فولادوند)؛ بگو: درباره باده و قمار از تو سؤال می‌کنند. بگو: در آن‌ها گناه بزرگی است و منافی هم برای مردم دربر دارند. (خرمدل)؛ درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در آن‌ها گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است (بهرام پور).

(د) «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَى» (بقره، ۲۲۲)

لغت و تفسیر: «المحیض» مصدر میمی به معنای حیض، که برای حدث و ایجاد شدن، زمان و مکان نیز صلاحیت دارد، که با انتقال کسره الیاء به الحاء، اعلال به ساکن صورت گرفته است (صافی، ۱۴۰۶، ۲، ۴۴۶؛ ابوحیان اندلسی، ۱۴۲۵، ۲، ۴۲۳) ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به معنای نهایت و قوت آزار و ناراحتی. حیض جریان خونی است که از رحم زنان در زمان‌های منظم خارج می‌شود که صفات مخصوصی دارد، و زنان حائض آن صفات را می‌شناسند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۳۱۲؛ طوسی، ۱۳۸۸، ۲، ۲۲۰؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۷، ۲، ۳۴۷) المحیض نام برای محل قاعدگی است (مغنیه، ۱۴۲۴، ۱، ۳۳۶). پیامبر (ص) می‌فرماید: زنان باید در طول دوره قاعدگی بازنشسته شوند، یعنی

با آن‌ها مجامعت نشود (قمی، ۱۴۳۰، ۱، ۱۲۳). از دیدگاه مشهور، حمل حیض بر ایذاء، از باب مبالغه نیست و مراد از این که می‌فرماید دوری کنید از زنان، دوری از مجامعت با آنان است. (با توجه به آخر آیه) از این رو استناد فعل به ذات برای مبالغه است (طبرسی، ۱۳۷۳، ۲، ۳۰۷؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۶، ۴۱۵؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۲۶۶؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۱، ۵۱۶). با این بیان ترجمه‌های موجود «المحیض» را این گونه ترجمه کرده‌اند: ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و می‌پرسند تو را از محیض بگو آن بد است. (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است (الهی قمشه‌ای)؛ از تو درباره عادت ماهانه زنان می‌پرسند. بگو: این برای آنان رنجی است. (صفوی)؛ تو را از حیض زنان می‌پرسند. بگو: حیض رنجی است (آیتی). ترجمه امین یا وفادار: و از تو، درباره خون حیض سؤال می‌کنند، بگو: چیز زیان‌بار و آلوده‌ای است. (مکارم شیرازی)؛ از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می‌پرسند، بگو: آن، رنجی است. (فولادوند)؛ و از تو درباره حیض می‌پرسند بگو: زیان و ضرر است. (خرمدل)؛ از تو درباره حیض می‌پرسند، بگو: آن رنج و ناراحتی است. (بهرام پور)

ه) «وَأِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره، ۲۸۰)

لغت و تفسیر: «مَيْسَرَةٍ» مصدر میمی از فعل یسر، و التاء زائد است. اسم برای الیسر که ضد العسر - بضم العین - است (صافی، ۱۴۰۶، ۳، ۷۹؛ آلوسی، ۱۴۰۵، ۲، ۵۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۷، ۲، ۵۶۲؛ اندلسی، ۱۴۲۵، ۲، ۷۱۷). ثلاثی مجرد بر وزن مَفْعَل به معنای بیشترین و نهایت مهلت دادن به شخص بدهکار است. «مَيْسَرَةٍ» به معنای تمکن و دارا شدن، در مقابل عسرت که به معنای فقر و تنگدستی است. یعنی بدهکار به جهت بدهی اش مورد اذیت و آزار قرار نگیرد و آنچه برای زندگی خود نیاز ضروری دارد، نباید فروخته شود تا دین خود را بپردازد؛ بلکه لازم است به او مهلت داده شود تا تمکن پیدا کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۲، ۶۴۹؛ طبرسی، ۱۳۷۳، ۳، ۱۹۲؛ مغنیه، ۱۴۲۴، ۱، ۴۳۹؛ فخررازی، ۱۴۲۰، ۷، ۸۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ۱، ۳۲۳). با توجه به معانی بیان شده، ترجمه‌های موجود «مَيْسَرَةٍ» را این گونه ترجمه کرده‌اند:

ترجمه کلمه به کلمه یا تحت اللفظی: و اگر بوده باشد صاحب عسرتی پس مهلت دادنی است تا وقت یسر (شعرانی).

ترجمه آزاد یا تفضیلی: و اگر (کسی که از او طلبکار هستید) تنگ‌دست شود به او مهلت دهید تا توانگر گردد. (الهی قمشه ای)؛ و اگر تنگ‌دستی که از پرداخت وام خود ناتوان است وجود داشته باشد، باید تا آن‌گاه که تمکن یابد به او مهلتی دهید. (صفوی)؛ اگر وامدار تنگ‌دست بود، مهلتی باید تا توانگر گردد (آیتی).

ترجمه امین یا وفادار: و اگر (بدهکار) قدرت پرداخت نداشته باشد، او را تا هنگام توانایی، مهلت دهید! (مکارم شیرازی)؛ و اگر (بدهکاران) تنگ‌دست باشد، پس تا (هنگام) گشایش، مهلتی به او دهید. (فولادوند)؛ و اگر (بدهکار) تنگ‌دست باشد، پس مهلت (بدو داده) می شود تا گشایشی فرا رسد. (خرمدل)؛ و اگر (بدهکار) تنگ‌دست بود پس مهلتی یابد تا گشایشی یابد (بهرام پور).

## ۵. نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی آرای گوناگون درباره شیوه‌های ترجمه، و نیز نگاهی به ترجمه‌های موجود و مثال‌های ارائه شده از مصدر میمی سوره بقره از سوی صاحبان آرا، نتایجی به دست می‌دهد که عبارت است از:

۱. هر ترجمه‌ای هر چند لفظ به لفظ و آزاد، ممکن است برای مخاطبان ویژه‌ای مفید باشد، و چه بسا از دیگر ترجمه‌ها مفیدتر، ولی سخن در ترجیح نوع و روشی از ترجمه برای مخاطبان عام است؛ مانند ترجمه معنایی - تفسیری برای عموم مردم. بسیاری از ترجمه‌های موجود، هر یک مشتمل بر انواع ترجمه است؛ چه بسا قسمتی از یک آیه، ترجمه‌ای لفظ به لفظ داشته باشد و قسمتی تحت اللفظی، وفادار یا آزاد؛ بنابراین، طبقه‌بندی دقیق ترجمه‌ها اگر ممکن نباشد، دشواری‌های فراوانی دارد.

۲. ترجمه‌هایی را که همراه با برداشت‌های تفسیری ارائه می‌شوند، جزو ترجمه‌های تفصیلی قرار دارند، نه ترجمه‌های تفسیری.

آیه	کلمه به کلمه یا تحت اللفظی	آزاد یا تفصیلی	امین یا وفادار	ترجمه پیشنهادی
الْمَصْرِ	بازگشت - مرجع	سرانجام - بازگشتگاه - منزلگاه	فرجام - سرنوشت - بازگشت - سرانجام	آخرین بازگشتگاه
الْمُعْرَةِ	آمزش	آمزش - بخشایش	آمزش - بخشش - گذشت	نهایت بخشش و آمزش
الْقَمَرِ	قمار	قمار	قمار	از دست رفتن مال در نهایت سهل و آسانی
مَنَافِعِ	سودها	سودها	منافع - سودها	سود و منفعت
الْحَيْضِ	محيض	حيض - عادت ماهيانه زنان	خون حيض - حيض - عادت ماهيانه زنان	نهایت قوت آزار و ناراحتی
تَنْسِرَةٍ	مهلت دادنی	مهلت دادن	مهلتی	بیشترین و نهایت مهلت دادن به شخص پدکار

۳. جایگزینی و برگردان عبارتهایی که مصدر میمی دارند، ترجمه را از وفادار به آزاد خارج نمی کند.

۴. مرز دقیق ترجمه وفادار و تفصیلی، آن است که ترجمه وفادار به دنبال انتقال پیام و مفهوم اصلی از زبان مبدا به زبان مقصد است و مانند ترجمه تفصیلی، به ساختارها و الگوهای بیانی زبان مقصد پایبند است، ولی از آنجا که در این نوع ترجمه، وفاداری به ساختارهای بیانی زبان مبدأ تا حد امکان حفظ می شود، پایبندی به ساختارهای زبان مقصد دچار نوسان می گردد و از وفاداری او به ساختارها و الگوهای بیانی زبان مقصد می کاهد، که این مطلب مرز جدایی ترجمه وفادار، از ترجمه تفصیلی است.

۵. اگر در ترجمه وفادار، افزون بر پایبندی به ساختار زبان مبدأ، ساختار بیانی زبان مقصد را به سان ترجمه تفصیلی رعایت شود، مطلوب ترین و دقیق ترین روش ترجمه، خواهد بود.

۶. از بین ترجمه های یاد شده، ترجمه های امین یا وفادار همچون ترجمه آقایان: مکارم شیرازی، خرمدل، فولادوند و بهرام پور، در ترجمه مصدر میمی موفق تر هستند. در مقابل ترجمه آیت الله شعرانی به دلیل تحت اللفظی بودن نتوانسته معنای مصدر میمی را منتقل کند. هم چنین ترجمه های آزاد یا تفصیلی چون ترجمه آقایان الهی

قمشه‌ای، آیتی و صفوی، با وجود توضیحات تفصیلی، اما متاسفانه نتوانسته‌اند معنای مصدرمیمی که همان قوت و تاکید بر نهایت امری است را به خوبی منتقل کنند.



## منابع

### \* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، (۱۴۲۷ق)، التحرير و التنوير، الموسسه العربيه للدراسات و النشر، بيروت.
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۳۶۳ش)، لسان العرب، نشر أدب الحوزه، قم.
۳. اندلسی، محمد بن يوسف ابوحیان، (۱۴۲۵ق)، البحر المحيط فی التفسیر، دارالفکر، بيروت.
۴. استرآبادی، رضی الدین، (۱۳۹۵ق)، شرح الرضی علی الشافیة، دار الکتب العلمیة، بيروت.
۵. الهی قمشه ای، مهدی، (۱۳۷۷ش)، ترجمه قرآن، دارالکتب الاسلامیة، تهران.
۶. آلوسی، محمد بن عبدالله، (۱۴۰۵ق)، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، دار احیاء التراث العربی، بيروت.
۷. آیتی، عبدالمحمد، (۱۳۷۴ش)، ترجمه قرآن مجید، سروش، تهران.
۸. بستانی، فواد افرام، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ ابجدی، نشر اسلامی، تهران.
۹. بهرام پور، ابوالفضل، (۱۳۸۷ش)، ترجمه قرآن کریم، نشر تلاوت، تهران.
۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۷۷ش)، قرآن ناطق، نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۱۱. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۳۷ش)، مقدمه بر ترجمه قرآن مجید، مرآیین، تهران.
۱۲. حسن، عباس، (۱۴۲۲ق)، النحو الوافی، ناصر خسرو، قم.
۱۳. حملاوی، احمد بن محمد بن احمد، (بی تا)، شذا العرف فی فن الصرف، دارالکیان، بی جا.
۱۴. خرمدل، مصطفی، (۱۳۹۱ش)، تفسیر نور، احسان، تهران.
۱۵. خرم شاهی، بهاء الدین، (۱۳۷۷ش)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوستان، تهران.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۴۳۱ق)، روش ها و سبک های ترجمه متون مقدس با تاکید بر ترجمه قرآن، تهران.
۱۷. زمخشری محمود، (۱۴۰۷ق)، ۹، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الکتب العربی، بيروت.

۱۸. سامرائی، فاضل صالح، (۱۴۲۸ق)، معانی الابنیه فی العربیه، دار عمار، اردن.
۱۹. سیدی، سید حسین، (۱۳۹۰ش)، زیبایی شناسی آیات قرآن، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، قم.
۲۰. شرتونی، رشید، (۱۴۲۷ق)، مبادی العربیه، دار العلم، قم.
۲۱. شعرانی، ابوالحسن، (۱۳۷۴ش)، ترجمه، قرآن کریم، انتشارات اسلامیه، تهران.
۲۲. صافی، محمود، (۱۴۰۶ق)، الجدول فی اعراب القرآن و صرفه، دارالرشید، بیروت.
۲۳. صفوی، محمدرضا، (۱۳۸۸ش)، ترجمه قرآن، آبنوس، قم.
۲۴. طباطبایی، سید محمدرضا، (۱۳۹۲ش)، صرف ساده، دار العلم، قم.
۲۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق ۹)، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۸۸ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۲۸. عرب خراسانی، علی، (۱۳۸۹ش)، درسنامه صرف، نشر المصطفی، قم.
۲۹. غلابینی، مصطفی، (۲۰۰۴م)، جامع الدروس العربیه، دار الکوخ، بیروت.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۱. فولادوند، مهدی، (۱۳۷۳ش)، ترجمه قرآن، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران.
۳۲. فیاض بخش، محمدتقی، (۱۳۸۹ش)، ترجمان وحی، بی جا.
۳۳. قلی زاده، حیدر، (۱۳۸۰ش)، مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم، مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی-انسانی، تبریز.
۳۴. قمی، عباس، (۱۴۳۰ق)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، اسوه، قم.
۳۵. کشمیری، عبدالرسول، (۱۳۹۲ش)، صرف کاربردی، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی، مشهد.
۳۶. مجتبوی، سید جلال الدین، (۱۳۷۲ش)، مجله مترجم (فصلنامه علمی فرهنگی)،

- مترجم، تهران.
۳۷. محقق، مهدی، (۱۳۴۴ش)، لسان التنزیل، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
۳۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۳ش)، التفسیر و المفسرون فی توبه القشیب، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد.
۳۹. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، تفسیر الکاشف، موسسه الدار الکتب الاسلامی، قم.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۶ش)، قرآن مجید با ترجمه روان فارسی، دارالقرآن الکریم، قم.
۴۱. نیشابوری، حسن بن محمد، (۱۴۲۸ق)، شرح النظام، مکتبه العزیزی، قم.